



کتاب «پایداری ملی و سیستم‌های حکمرانی» منتشر شد:

گفتگوی ملی برای پایداری ایران

مساله اصلی کتاب، ناپایداری ایران است و در حد توان در آن تلاش شده است تا چارچوبی برای فهم وضعیت موجود و شناسایی علت ریشه‌ای پیدایش شرایط کنونی ارائه شود؛ امری که به نظر می‌رسد برای آغاز گفتگوی ملی بین ایرانیانی با ارزش‌ها و نگرش‌های گوناگون و تجمیع توان آنها برای رهاندن ایران از ناپایداری و آغاز حرکت به سوی پایداری لازم و ضروری است.

در حدود ۵۰۰۰ سال پیش، در نیمه شرقی فلات ایران، در کرانه دریاچه هامون و ساحل رودخانه هیرمند، هسته‌های اولیه تمدنی شکل گرفت که در گذر ۱۰۰۰ سال تبدیل به یکی از پیشرفته‌ترین دولت شهرهای زمان خود شد. یکی از نخستین افرادی که به بقایای این دولت‌شهر در سیستان اشاره کرده است کلنل بیت، مامور نظامی بریتانیا در ایران دوره قاجار است. او که بقایای یک آتش‌سوزی را در محوطه این شهر مشاهده کرده بود نام شهر سوخته را بر آن نهاد؛ و از این‌رو ما اکنون این تمدن را با نام تمدن شهر سوخته می‌شناسیم. عوامل گوناگونی از تغییر مسیر رودخانه هیرمند تا هجوم قبایلی جنگجو به این منطقه را، از مهمترین دلایل از بین رفتن این دولت شهر بر شمرده‌اند.

با در نظر داشتن مثال شهر سوخته، هنگامی که از پایداری یک واحد جغرافیایی سیاسی سخن می‌گوییم، به معنای باقی ماندن و استمرار آن در طول تاریخ است. تمدن شهر سوخته که اکنون می‌دانیم ساکنان آن را زروانیان تشکیل می‌دادند، در بازه‌ای ۱۰۰۰ ساله در آن منطقه پایدار باقی ماند، اما در پایان این دوران بنا به دلایل گوناگون برای همیشه از صحنه تاریخ حذف شد.

از اینکه در آخرین سال‌های حضور این دولت شهر در تاریخ، ساکنان آن سرزمین نشانه‌هایی از به خطر افتادن تمدن خود را دریافته بودند یا خیر، اطلاعی نداریم؛ اما به احتمال فراوان آن دولت شهر به یکباره فرونریخته است و مجموعه‌ای از عوامل گوناگون در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند تا سبب ساز ایجاد ناپایداری، فروپاشی دولت شهر و پاشیده شدن خاکستر مرگ بر روی آن سرزمین باشند؛ مجموعه عواملی که اگر زروانیان آن را شناسایی می‌کردند و تمدن‌شان را در خدمت کنترل این عوامل مخرب قرار می‌دادند، شاید دولت شهر زروانیان قرن‌های بیشتری در تاریخ استمرار می‌یافت.

بیا باید تصور کنیم که این فرصت فراهم می‌شد تا در آخرین سال‌های حضور این دولت شهر در تاریخ، از زروانیان بخواهیم جمله‌ای در وصف شرایط کنونی تمدن و دولت شهرشان بیان کنند تا با حک آن بر کتیبه‌ای به یادگار در تاریخ بماند. دور از انتظار نیست که بخش قابل توجهی از آنها این جمله را بیان می‌کردند:

دولت شهر زروانیان دیگر پایدار نیست و این دولت شهر باید پایدار باشد.

با در نظر داشتن مثال تمدن شهر سوخته به ایران شهر کنونی بازگردیم.

ایران، در حال حاضر با بحران‌های چندگانه و در هم تنیده‌ای روبروست که در صورت عدم توجه به آنها چالش‌های اساسی را برای این واحد جغرافیایی سیاسی می‌تواند، ایجاد نماید. برخی از مهمترین این بحران‌ها به شرح ذیل‌اند:

بحران اقتصادی که بارزترین نمودهای خود را در تورم، رکود، بیکاری، ورشکستگی صندوق‌های بازنشستگی، نوسانات شدید نرخ ارز و ... نشان داده است.

بحران اجتماعی که گسترش بی رویه حاشیه‌نشینی در شهرهای ایران، افزایش نرخ اعتیاد، سقوط سرمایه اجتماعی، نارضایتی‌های قومی و مذهبی بارزترین نمودهای این بحران در ایران هستند.

بحران محیط‌زیستی، که می‌توان مهمترین مظاهر آن را در بحران کمی و کیفی آب، آلودگی هوا به صورت عام و پدیده ریزگردها به صورت خاص، از بین رفتن جنگل‌ها به صورت عام و خطر جدی از بین رفتن جنگل‌های زاگرس به صورت خاص [۱] بیابان‌زایی؛ فرسایش خاک و ... مشاهده کرد.

آشکار شدن نوک کوه یخ این بحران‌ها و درگیری فرد فرد ایرانیان با آنها، سبب شده است که در شرایط موجود با هر فردی از هر گروه و جریان سیاسی یا با هر سطحی از سواد و دانش در حوزه‌های مختلف که سخن می‌گویی بر سر یک جمله با یکدیگر اشتراک نظر داشته باشند:

وضعیت کنونی ایران ناپایدار است.

و از قضا بخش قابل توجهی از آنها در یک جمله دیگر نیز توافق دارند:

ایران باید پایدار باشد.

اگر بخواهیم تمامی مطالب کتاب پیش‌رو را در دو جمله خلاصه کنیم، می‌توان این کار را در جمله‌های فوق انجام داد؛ بر این اساس، مساله اصلی این کتاب، ناپایداری ایران است و در حد توان در آن تلاش شده است تا چارچوبی برای فهم وضعیت موجود و شناسایی علت ریشه‌ای پیدایش شرایط کنونی ارائه شود؛ امری که به نظر می‌رسد برای آغاز گفتگوی ملی بین ایرانیانی با ارزش‌ها و نگرش‌های گوناگون و تجمیع توان آنها برای رهنمایدن ایران از ناپایداری و آغاز حرکت به سوی پایداری لازم و ضروری است.

به این منظور این کتاب از ۵ فصل تشکیل شده است.

در فصل نخست با معرفی مفهوم پایداری و بررسی ادبیات موجود در این زمینه تلاش شده است، سنجش‌هایی برای سنجش این سازه نظری ذیل سه بُعد اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی ارائه شود.

در فصل دوم بنا بر این بود که با اتکا به داده‌های معتبر و با در نظر داشتن مجموعه شاخص پایداری معرفی شده در فصل نخست، گزارشی از وضعیت پایداری ایران با توجه به شاخص‌های معرفی شده ارائه شود؛ اما از آن‌رو که با انجام جستجوهای مقدماتی نتوانستیم برای بخش قابل توجهی از متغیرها و سنجش‌های معرفی شده ذیل شاخص پایداری، مقادیری دقیق و قابل اتکا بیابیم و از سوی دیگر با توجه به شرایط کشور، تمایل داشتیم، هرچه سریعتر نسخه‌ی اولیه‌ی از کتاب منتشر شود، موضوع سنجش دقیق وضعیت پایداری ایران را به بعد از دریافت نظرات خوانندگان در مورد نسخه اولیه از کتاب موکول نموده؛ و برای ارائه تصویری مقدماتی از آنچه که در پایان این مسیر به آن دست خواهیم یافت با بررسی شاخص‌های بین‌المللی موجود تلاش کردیم، مجموعه شاخصی که از نظر کلیت، مشابه مجموعه شاخص پایداری معرفی شده در این کتاب است را بیابیم، تا از این طریق امکان ارائه گزارشی در مورد وضعیت ایران با توجه به آن مجموعه شاخص فراهم شده و فهمی کلی نسبت به وضعیت پایداری ایران حاصل شود. نتیجه این جستجوها ما را به مجموعه شاخص کامیابی موسسه لگاتوم رساند؛ امکانات موجود در سایت این موسسه امکان ارائه گزارشی نسبتاً دقیق و مبتنی بر نمودارهایی روشن در مورد ایران را فراهم می‌کرد. از این رو در فصل دوم کتاب، گزارشی از وضعیت ایران در ارتباط با شاخص کامیابی که می‌توان آن را در مقایسه با سایر شاخص‌های موجود، به مجموعه شاخص پایداری معرفی شده در این کتاب نزدیک‌تر دانست، ارائه شده است. در ارتباط با شاخص کامیابی موسسه لگاتوم باید توجه داشت که لزوماً تمامی سنجش‌های صورت گرفته توسط این موسسه در مورد وضعیت ایران در ارتباط با متغیرها و شاخص‌های گوناگون را نمی‌توان سنجش‌هایی دقیق و بیانگر وضعیت واقعی ایران در آن زمینه دانست؛ اما به نظر می‌رسد می‌توان کلیت نتایج این ارزیابی را با کلیت ارزیابی‌های کیفی درباره وضعیت ایران منطبق دانست. در پایان فصل دوم، این پرسش را طرح نمودیم که با در نظر داشتن داده‌های موجود، وضعیت نسبتاً ناپایدار کنونی در ایران، که می‌توان آن را با مفهوم شکست پایداری توصیف کرد، نتیجه چه عواملی است؟

در فصل سوم با بررسی داده‌های موجود، پاسخ این کتاب به پرسش طرح شده در انتهای فصل دوم، به عامل کیفیت حکمرانی رسیده است. به عبارتی در این فصل، این نتیجه حاصل شده است که شکست‌های رخ داده در عرصه حکمرانی کشور، سبب افت کیفیت حکمرانی و در نتیجه پیدایش شرایط ناپایدار کنونی در این واحد جغرافیایی سیاسی شده است. در ادامه فصل نیز با در نظر داشتن ادبیات موجود در این زمینه، ضمن معرفی مفهوم کیفیت حکمرانی، شاخص‌هایی، برای سنجش این سازه نظری معرفی و گزارشی در مورد وضعیت کیفیت حکمرانی ایران در مقایسه با سایر کشورهای جهان ارائه شده است. اما با این پاسخ، بلافاصله این پرسش طرح می‌شود که شکست‌های ایجاد شده در عرصه حکمرانی و افت کیفیت حکمرانی کشور را می‌توان تحت تاثیر چه عامل ریشه‌ای‌تری دانست؟

در فصل چهارم در تلاش برای پاسخ به پرسش طرح شده در انتهای فصل سوم کتاب، با استدلال‌هایی منطقی نشان داده شده است که کیفیت حکمرانی، تحت تاثیر نوع و طراحی سیستم حکمرانی است؛ بر این اساس اگر در صدد بهبود وضعیت پایداری در یک واحد جغرافیایی سیاسی با توجه به شاخص‌های معرفی شده در فصل نخست کتاب هستیم، باید از طریق ایجاد تغییراتی در سیستم حکمرانی (اصلاح قواعد، روابط و اجزا)، امکان وقوع شکست‌های شش‌گانه در عرصه حکمرانی، که سبب افت کیفیت حکمرانی و نهایتاً ایجاد ناپایداری‌هایی در حوزه‌ها و عرصه‌های مختلف می‌شود را کاهش داد.

در فصل پنجم کتاب نیز جمع‌بندی‌ای از مطالب طرح شده در آن ارائه شده است.

در ادبیات مربوط به نظریه سیستم‌ها، مفهومی وجود دارد تحت عنوان نقطه بی‌بازگشت، در این نقطه، سیستم به جایی می‌رسد که مسیری متفاوت از گذشته را در پیش خواهد گرفت؛ وضعیت کنونی ایران به منزله یک سیستم پیچیده جغرافیایی-اجتماعی اگر نگوییم به نقطه بی‌بازگشت رسیده؛ اما می‌توان گفت که به میزان بسیار زیادی به آن نزدیک شده است؛ امید است که در این نقطه، ایران در مسیری قرار گیرد که پایداری آن در تاریخ استمرار یابد.

در فضای سیاسی کنونی کشور، مرتباً از مفاهیمی چون منافع ملی و گفتگوی ملی سخن به میان می‌آید؛ بدون آنکه تعریفی دقیق از آنها ارائه شود. به نظر می‌رسد مفهوم پایداری ایران با توجه به تعریفی که در این کتاب از آن ارائه شده است، می‌تواند در زمینه دست یافتن به اجماعی بر سر مفاهیمی چون منافع ملی کمک‌کننده باشد و نشان دهد که گفتگوی ملی باید بر سر چه چیز، برای بهبود چه شاخص‌ها و سنجه‌هایی و برای ایجاد اصلاح و تغییر در چه بخش‌هایی آغاز شود.

این کتاب توسط پژوهشگران مرکز بررسی‌های استراتژیک آقایان دکتر سجاد فتاحی، روح‌الله قاسمی، محمد فکری و سرکارخانم محدثه جلیلی به نگارش درآمده است.

برای مطالعه و دریافت متن کامل کتاب پایداری ملی و سیستم‌های حکمرانی از لینک دانلود زیر استفاده کنید.

۱. در حدود ۷ دهه گذشته وسعت این جنگل‌ها از ۱۲ میلیون هکتار به ۶ میلیون هکتار رسیده و در یک دهه اخیر تحت تاثیر پدیده خشکیدگی بلوط، در حدود یک میلیون هکتار دیگر آن از بین رفته است. از بین رفتن این جنگل‌ها از آنجا که

در تامین ۴۰ درصد آب شیرین و تصفیه هوای کشور نقش دارند در نوع خود یکی از مخاطرات بزرگ پیش روی ایران است.